

چکیده:

زمینه: امروزه در سازمانها تخصیص منابع به روش سنتی و مبتنی بر تجربیات و استدلال ذهنی نیروی انسانی می باشد و استفاده از آن ایجاد نارضایتی است و قابلیت تعمیم پذیری و انطباق دلیل ریاضی ندارد.

هدف: هدف از پژوهش حاضر ارائه الگوی برنامه ریزی آرمانی فازی جهت تخصیص منابع در امور آموزشی- دانشگاهی وزارت متبوع از طریق استفاده از تئوری ریاضی جهت نزدیک کردن کمیت و کیفیت استدلال انسانی به استدلال ریاضی است.

مواد و روشها: روش پژوهش توصیفی- مقطعی کاربردی است. مدل پژوهش حاضر برای تخصیص منابع شامل تنظیم تابع هدف با در نظر گرفتن محدودیتهای آرمانی بود. تابع هدف آرمانی از نوع مربعی بر اساس کمینه سازی توان دوم انحراف از آرمانها تنظیم شد و برای گرد آوردن داده های مربوط به تابع هدف از پرسشنامه ماتریس تصمیم گیری و داده های مربوط به آرمانها از اسناد و مدارک سال ۸۴ استفاده شد که با استفاده از نرم افزار Expert-choice و MATLAB تجزیه و تحلیل داده ها صورت گرفت.

یافته ها: پس از حل مدل، با مقایسه نتایج بدست آمده از مدل هر یک از آرمانهای در نظر گرفته شده در پایان سال ۸۴ با تغییراتی تحقق یافته است. در مدل $F(x) = \frac{1}{2}x'HX + F'X$ که با استفاده از روش (Quadratic Programming) هر یک از متغیرهای کلی تعداد دانشجویان و تعداد اعضای هیأت علمی در مقایسه با آرمان به ترتیب (۱۱۷۰۰۰ هزار در مقایسه با ۱۱۶۶۹۰ و ۱۰۸۵۰ نفر در مقایسه با ۹۸۵۵ نفر) تحقق یافته است ... استفاده از برنامه ریزی آرمانی فازی به بهینه سازی تخصیص منابع منجر شد. آرمانهای برنامه با توجه به منابع تخصیص داده شده در مقایسه با بهینه دارای مغایرتهایی است.

نتیجه گیری: به نظر می رسد برنامه ریزی آرمانی فازی می تواند به بهینه سازی منابع، افزایش میزان رضایت، انطباق پذیری با شرایط و موقعیتهای به نحو بارزی موثر باشد.

واژه های کلیدی: برنامه ریزی آرمانی فازی، تخصیص منابع، امور آموزشی- دانشگاهی، وزارت بهداشت و درمان